

مدیریت یکپارچه منطقه ساحلی سرخورد در راستای توسعه گردشگری

دریافت مقاله: ۹۸/۷/۳۰ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۲/۳

صفحات: ۶۹-۹۰

مهدی رازجویان: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران

Email: Mehdi.razjouyan54@Gmail.com

صدرالدین متولی: دانشیار ژئومورفولوژی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران^۱

Email: Sadr_m1970@yahoo.com

غلامرضا جانباز قبادی: استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد جویبار، جویبار، ایران

Email: Ghobadi@yahoo.com

چکیده

در شهر سرخورد گسترش جریان‌های گردشگری با برنامه‌ریزی نامناسب و ضعف زیرساخت‌ها و مدیریت گردشگری اثرات منفی زیادی از لحاظ زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی داشته است؛ بنابراین هدف از پژوهش حاضر مدیریت یکپارچه منطقه ساحلی سرخورد با رویکرد توسعه گردشگری می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری داده‌های تحقیق در رابطه با مبانی نظری پژوهش، شناخت و تحلیل داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌های و در رابطه با بررسی نمونه مورد مطالعه، مطالعات میدانی می‌باشد. جهت جمع‌آوری اطلاعات میدانی از ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است که میان نمونه تصادفی از متخصصان شهری به تعداد ۲۰ نفر توزیع گردیده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های پرسش‌نامه از نرم‌افزار **Exoert Choice** استفاده شده است. جهت وزن‌دهی و رتبه‌بندی معیارها در وضع موجود شهر روش تحلیل سلسله‌مراتبی **AHP** استفاده گردیده است. همچنین برای بررسی رابطه میان گردشگری و مؤلفه‌های اقتصادی و محیطی، پرسش‌نامه‌ای میان متخصصان و شهروندان سرخورد توزیع گردید و یافته‌های حاصل از آن با استفاده از آزمون تاو کندال **b** و همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج یافته‌ها بیانگر آن است که از دیدگاه نیمی از مسئولین و کارشناسان دولتی، گسترش صنعت گردشگری از یک‌سو سبب رونق اقتصادی منطقه و از سوی دیگر سبب کاهش امنیت منطقه و آلودگی محیط‌زیست است. بنابراین در شرایط کنونی انگیزشی برای گسترش صنعت توریسم برای مدیران دولتی وجود ندارد؛ بدین‌صورت که برای جلوگیری از خلأها و انجام فعالیت‌های موازی، ارائه خدمات به گردشگران توسعه پایدار گردشگری نیازمند یکپارچگی مدیریت گردشگری و برنامه‌ریزی مداوم در قالب سازمان‌یافته، مشارکتی و مردمی است.

کلید واژگان: مدیریت یکپارچه، منطقه ساحلی، گردشگری ساحلی، شهر سرخورد.

۱. نویسنده مسئول: دانشیار ژئومورفولوژی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، نور، ایران

مقدمه

سواحل و مناطق ساحلی از قرن‌ها پیش، به عللی مانند وفور امکانات بالقوه توسعه، از زیستگاه‌های مهم بشری به شمار می‌رفته و نقش غیرقابل‌جایگزینی در اقتصاد و توسعه تمدن‌ها داشته است (مجنونیان و دانه‌کار، ۱۳۸۳). خطوط ساحلی جهان، با امتداد بیش از ۴۴۰ هزار کیلومتر، یکی از پویاترین محیط‌های طبیعی و از مهم‌ترین زمینه‌های فعالیت انسان و فرایندهای جغرافیایی است (قنواتی و دیگران، ۱۳۹۲). یکی از کاربردهای بسیار مهم دریا و مناطق ساحلی در اغلب مناطق ساحلی جهان، استفاده از آن به‌نوعی جاذبه برای جذب گردشگران و توسعه صنعت گردشگری است (Hall, 2001; Honey & Krantz, 2007). در حقیقت، رشد و توسعه زیرساخت‌ها (هتل‌ها، بندرگاه‌ها، خانه‌های ثانویه، تفرجگاه‌های ساحلی و ...) و فعالیت‌ها و ورزش‌های آبی (مانند ماهیگیری تفریحی، قایق‌سواری، غواصی و ...) موجب توجه بیشتر و اقامت و گذران اوقات فراغت تعداد زیادی از دیدارکنندگان در این مناطق شده است (Sánchez-Quiles and Tovar-Sánchez, 2015). مدیریت گردشگری خصوصاً گردشگری پایدار در بسیاری از کشورها به‌منزله، نمادی از هویت فرهنگی، طبیعی، انسانی و اقتصادی محسوب می‌شود. از این‌رو، پایداری در گردشگری، مستلزم توجه نظام‌مند به ابعاد فنی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و زیست‌محیطی در حرکت به‌سوی استفاده از جاذبه‌های گردشگری مطابق با نیاز امروز و حفظ و ماندگاری این منابع برای آینده است (مولایی هشتجین و خوشنود، ۱۳۸۶: ۱۱). گردشگری شهری به‌عنوان یکی از اشکال جدید گردشگری تأثیرات مثبت و منفی زیادی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی و کالبدی شهر گذاشته است. بر همین اساس برای جذاب‌تر کردن شهرها و توسعه گردشگری شهری فعالیت‌های چشمگیری در سطوح بالای مدیریت شهری انجام می‌شود. در حال حاضر گردشگری شهری به یک امر نمادین برای بسیاری از مدیران و سیاست‌گذاران شهری تبدیل شده که توسعه آن مستلزم ارزیابی، تعریف هدف‌ها و ایجاد ساختار مدیریت مناسب می‌باشد. گردشگران شهری به‌عنوان استفاده‌کنندگان از فضاهای شهری بر فعالیت‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و محیطی شهر تأثیرگذار هستند؛ بنابراین رشد و توسعه گردشگری باید با هدف توسعه پایدار گردشگری؛ برنامه‌ریزی شود (صفاری‌راد و تحویل‌داری، ۱۳۹۴). یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه پایدار گردشگری شهری، چگونگی مدیریت فعالیت‌های آن است. مدیریت دربرگیرنده یک نگرش نظام‌مند است که در آن پویایی گردشگری در چارچوب عرضه و تقاضا و با تأکید بر پایداری مدنظر است. مدیریت گردشگری باید در چارچوب راهبردهای مطلوبی شکل بگیرد و بر مبنای آن خط‌مشی و سیاست‌های مناسبی برای توسعه گردشگری شهری در نظر گرفته شود که ضمن تأمین نیازها و تسهیلات گردشگران شهری، مانع برخورد منافع گردشگری و دیگر کارکردهای شهر گردد (دیوسالار و دیگران، ۱۳۹۳). استان مازندران به‌عنوان یکی از مناطق بالقوه کشور ایران در زمینه طبیعت‌گردی و گردشگری، مطرح می‌باشد. موقعیت برجسته جغرافیایی این استان و واقع شدن آن میان دریا و جنگل، حاکی از ظرفیت‌های بالای آن در زمینه گردشگری است از جمله حوزه‌های گردشگری این استان برخوردار از مواهب طبیعی همچون رودخانه‌ها، چشمه‌ها، سواحل شنی، زیستگاه پرندگان بومی و مهاجر و مجاورت با مجتمع‌ها و شهرک‌های اقامتی و ... می‌تواند محیط جذاب و منحصربه‌فردی را برای گذران اوقات فراغت گردشگران فراهم آورد.

پژوهش حاضر به دنبال بررسی و سنجش متغیرهای ضروری عملکرد مدیریت شهری یک پارچه در رابطه با توسعه گردشگری ساحلی است، تا با ارزیابی این متغیرها، عملکرد مدیریت شهر سرخورد، در رابطه با توسعه گردشگری ساحلی بررسی گردد و راهکارهای عملی در جهت بهبود وضع موجود و در نتیجه توسعه راهبردهای گردشگری ساحلی در سرخورد ارائه شود. هدف، شناسایی نکات و عواملی است که در ارتباط با عملکرد مدیریت یکپارچه، در رابطه با توسعه راهبردهای گردشگری ساحلی، آثاری مثبت دارند. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند مدیران شهری در بالا بردن سطح توسعه راهبردهای گردشگری ساحلی و افزایش رضایت محلی و همچنین رضایت گردشگران با کم‌ترین آسیب محیطی، یاری رساند. به‌منظور تعیین و تدقیق نقش مدیریت یکپارچه در منطقه ساحلی سرخورد با رویکرد توسعه گردشگری، چهار سؤال دستیابی به این هدف را در پژوهش حاضر آسان‌تر خواهد کرد که عبارت است از:

- کدام یک از معیارهای توسعه گردشگری شهر سرخورد دارای اهمیت بیشتری می‌باشند؟
- آیا گسترش صنعت گردشگری در شهر سرخورد نقش مثبتی در رونق اقتصاد محلی و شهری داشته است؟
- آیا گسترش و رشد گردشگری باعث تغییر در کاربری اراضی شهری و افزایش امکانات و خدمات زیربنایی و روبنایی و حفاظت از محیط‌زیست در آن می‌گردد؟
- راهکارهای مدیریت یکپارچه در راستای توسعه گردشگری در منطقه ساحلی سرخورد کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

گردشگری ساحلی

در میان گونه‌های گردشگری بانگیزه تفریح، گردشگری دریایی از دیرباز جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. سفر به سواحل و استفاده از خورشید و انجام تفریحات آبی، همچون شنا، اسکی روی آب، ماهیگیری، قایق‌سواری، غواصی و نظیر این‌ها از علایق اکثر گردشگران به‌خصوص گردشگران داخلی هر کشور محسوب می‌شود؛ که مستلزم مسافرت از محل اقامت و تمرکز بر روی محیط دریایی است (مافی و سقایی، ۱۳۸۸). مفهوم گردشگری ساحلی طیف کاملی از گردشگری، فراغت و فعالیت‌های تفریحی را که در نواحی ساحلی و آب‌های نزدیک ساحل روی می‌دهد، در بر می‌گیرد. بر این اساس عرضه محصولات گردشگری ساحلی شامل اسکان، پذیرایی، صنعت محصولات غذایی، خانه‌های دوم و زیرساخت پشتیبان توسعه ساحلی (مثل خرده-فروشی‌ها، اسکله و تأمین‌کنندگان فعالیت‌ها) شامل می‌شود (خانی و دیگران، ۱۳۸۸).

درواقع همان‌گونه که اداره ملی جو اقیانوس ایالات‌متحده اشاره می‌کند، در میان تمام فعالیت‌هایی که در نوار ساحلی و نزدیکی سواحل اقیانوس صورت می‌گیرد، هیچ‌کدام بیش از گردشگری و تفریح ساحلی از نظر حجم و تنوع در حال افزایش نیست. ماهیت متغیر این بخش و حجم آن، این نکته را که باید برنامه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های دولتی مربوط به گردشگری در سواحل را موردتوجه قرار دهد، الزامی می‌سازد. درواقع تمام مسائل مربوط به سواحل به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر گردشگری و تفریح در سواحل تأثیر می‌گذارند (علیقلی‌زاده، ۱۳۸۶: ۵۶). تداوم کاهش فعالیت‌های ماهیگیری و مشاغل وابسته، مشکلاتی را بر بسیاری از

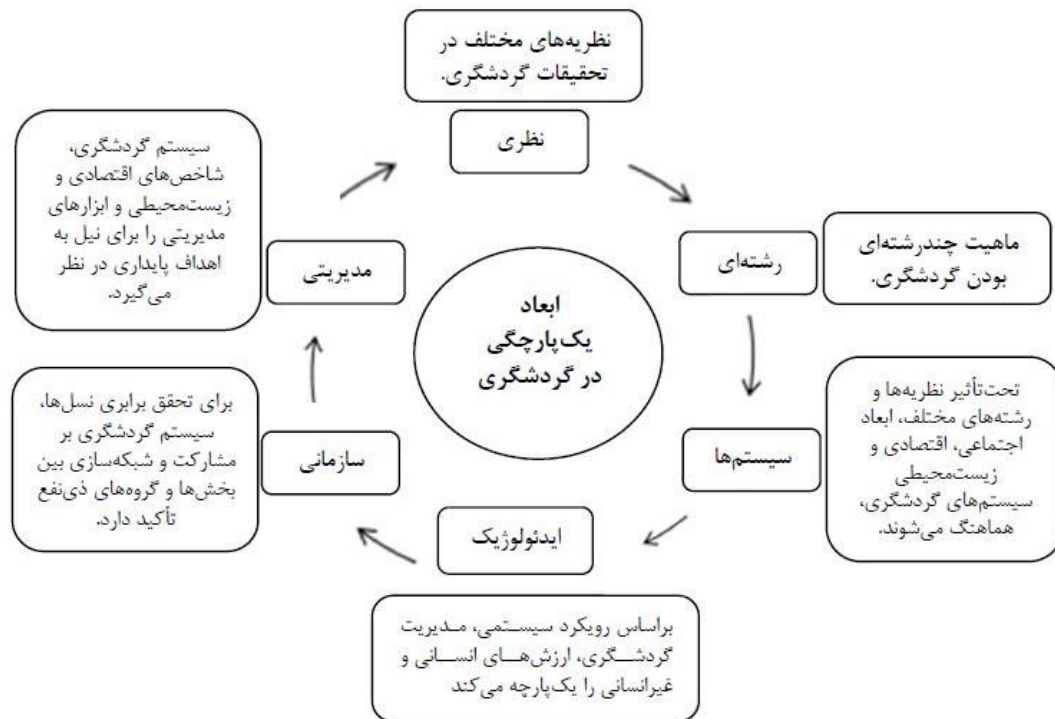
نواحی وابسته به شیلات، در اطراف جهان تحمیل نمود و این نیاز را برای اجتماعات ساحلی آشکار ساخت تا برای متنوع‌سازی اقتصادشان به دیگر بخش‌ها از جمله اکو توریسم روی آورند. از درآمد فعلی گردشگری ساحلی، همه‌ساله تفرجگاه‌های جدیدی در برخی از کشورهای منطقه در حال گسترش است. این صنعت که اصولاً بر مبنای استفاده از منابع طبیعی، همچون سواحل ماسه‌ای، دریای شفاف، محیط دوست‌داشتنی و ... پایه‌گذاری شده بود، اخیراً خود تغییر شکل داده است. هم‌اکنون طیف گسترده‌ای از تسهیلات امروزی به‌منظور ارائه اقامتی آسوده و لذت‌بخش از فعالیت‌های تفریحی متنوع در نواحی ساحلی ایجاد شده‌اند. این تسهیلات انسان‌ساخت، اگرچه با صرف سرمایه هنگفت ممکن شده‌اند، ولی افزایش قابل‌ملاحظه‌ای در کیفیت گردشگری منطقه در امتداد کرانه دریا به وجود آورده‌اند (پوروخشوری، ۱۳۸۰: ۱۷).

مدیریت گردشگری

مدیریت گردشگری به‌ویژه گردشگری پایدار در بسیاری از کشورها، به‌منزله نمادی از هویت فرهنگی، طبیعی، انسانی و از بخش‌های مهم اقتصادی محسوب می‌شود؛ بنابراین پایداری در گردشگری مستلزم توجه نظام‌مند به ابعاد فنی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و زیست‌محیطی در حرکت به‌سوی استفاده از جاذبه‌های گردشگری مطابق با نیاز امروز و حفظ و ماندگاری این منابع برای آیندگان است (تقوایی و صفرآبادی، ۱۳۹۰: ۱۹۳).

مدیریت یکپارچه

تحقق رویکرد مدیریت یکپارچه در هر عرصه نیازمند وجود ابزارها، رویه‌ها و بسترهایی است که بدون وجود آن‌ها صحبت از اجرایی شدن یکپارچگی بی‌معناست. ابزارهایی همچون پشتیبانی قانونی، فرهنگ و نگرش سازمانی، توزیع منفعت و قدرت و ... می‌باشد. با وجود توجه به این رویکرد در زمینه مدیریت گردشگری، ایمران (۲۰۱۳) معتقد است که در مطالعات اندکی تعیین‌شده که چه جنبه‌هایی از گردشگری باید یک‌پارچه شود و این یکپارچگی چگونه و در چه سطحی از سیستم پیچیده گردشگری باید اتفاق بیفتد. جمال و مک دونالد (۲۰۱۱) در مطالعه خود درباره گردشگری میراث نشان می‌دهند که به یک چارچوب نظری یک‌پارچه در سطح خرد و کلان جامعه، با استفاده از رویکردهای متنوع، نیاز است؛ همچنین میچل و ایگل (۲۰۰۱)، میچل و رید (۲۰۰۱) و ویور (۲۰۰۰) بر اهمیت مشارکت جامعه در برنامه‌ریزی، مدیریت و فواید گردشگری پایدار تأکید دارند. ایمران (۲۰۱۳)، برای شفاف‌سازی معنای یکپارچگی، ابعاد یکپارچگی در گردشگری برای نیل به توسعه پایدار را مطابق شکل (۱) به شش دسته نظری (تئوری)، رشته‌ای، سیستمی، ایدئولوژیک، سازمانی و مدیریتی تفکیک می‌کند.



شکل (۱). ابعاد یکپارچگی در گردشگری؛ ایمران، ۲۰۱۳

علی‌پور و همکاران (۱۳۹۴)، در مقاله‌ای تحت عنوان مدیریت پایدار گردشگری (مطالعه موردی: شهر بجنورد) به این نتیجه رسیده‌اند که نتایج حاکی از آن است که به علت ضعف‌های مدیریتی شهری، عدم یکپارچگی مدیریت در بهره‌برداری پایدار از جاذبه‌ها، کمبود امکانات، عدم دسترسی و اطلاع‌رسانی، عدم همکاری و هماهنگی نهادهای گوناگون شهری در تأمین بهداشت و نظافت شهر و مشکلات مربوط به برنامه‌ریزی، بخش گردشگری نه تنها از توسعه پایداری فاصله گرفته روند بلکه منفی را طی می‌کند. دیوسالار و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری (نمونه مورد مطالعه: شهر ساحلی نور) به این نتیجه رسیده‌اند که نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای نشان داده است که از نگاه پاسخگویان، وضعیت موجود شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و زیست‌محیطی گردشگری در شهر نور نامطلوب بوده و در راستای توسعه گردشگری پایدار نمی‌باشد. همچنین نتایج حاصل در بررسی عملکرد مدیریت شهری نور نیز نشان از ضعف عملکرد مدیران شهری در توسعه گردشگری پایدار این شهر داشته است. حسینی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری شهرهای ساحلی در سال-های ۱۳۸۸-۱۳۶۸؛ مورد مطالعه: شهر نوشهر، به این نتیجه رسیده‌اند که بیانگر رابطه مثبت و معنادار بین ویژگی‌های مدیران شهری، تغییرات رشد تسهیلات گردشگری و توسعه پایدار گردشگری و نیز عدم وجود رابطه معنادار بین تغییر کاربری اراضی ساحلی با توسعه پایدار گردشگری است. در ضمن این رابطه مثبت و معنادار بین متغیرهای برنامه‌ریزی‌های ساحلی، هماهنگی سازمان‌های مرتبط با گردشگری، ایجاد فرصت‌های شغلی،

توسعه خدمات خرده‌فروشی و توسعه زیرساخت‌های لازم، احداث کمپین‌ها، سازمان‌دهی خانه‌های اجاره‌ای، اطلاع‌رسانی، انجام بازرسی‌های فصلی و نظارت مستمر با توسعه پایدار گردشگری شهری است. الله ویسی و گلچینی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان نقش مدیریت شهری در توسعه گردشگری شهری؛ مورد مطالعه: شهر سنندج، به این نتیجه رسیده‌اند که بررسی‌های صورت گرفته نشان می‌دهد توان اصلی گردشگری سنندج به جاذبه‌های تاریخی-یادمانی و توان‌های فرهنگی هنری این شهر برمی‌گردد. جاذبه‌های تاریخی آن به سابقه شهرنشینی ۴۰۰ ساله و وجود ۱۳۱ اثر تاریخی ثبت‌شده و قابل ثبت و جاذبه‌های فرهنگی - هنری نیز به واسطه نقش مرکزیتی آن در رابطه با فرهنگ قوم کرد بازمی‌گردد. در این راستا می‌توان با برگزاری سالانه و فصلی فستیوال‌های مربوط به موسیقی و پوشش‌های محلی اقوام؛ نقش آن را به‌عنوان مرکز فرهنگی غرب کشور تقویت کرد. نقشی که امروز شیراز به‌عنوان پایتخت فرهنگی کشور در مقیاس کشوری ایفا می‌کند. این عملکرد را می‌توان در مقیاس منطقه‌ای برای سنندج نیز تعریف کرد. منتظری و براتی (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری، رهیافتی کارآمد جهت تحقق گردشگری پایدار (مطالعه موردی: شهر یزد) مورد مطالعه قرار داده و به این نتیجه رسیده‌اند که نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که سنجش جاذبه‌های گردشگری و امکانات موجود، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و سپس برنامه‌ریزی برای توسعه آن‌ها و با اتکا به برنامه‌ریزی راهبردی، بستری مناسب جهت توسعه امر گردشگری در سطح شهر فراهم آورد و با توسعه و بهره‌گیری مستمر از جایگاه فرهنگی - تاریخی شهر یزد، وجهه این شهر را به‌عنوان یک مقصد گردشگری در سطح ملی و فراملی تقویت نمود.

آنتارا^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی به مقایسه چهار رویکرد یا الگوی مدیریت مقصدهای گردشگری ساحلی در بالی کشور اندونزی می‌پردازد. این چهار الگو عبارت‌اند از: الگوی مدیریت به‌وسیله سنت روستایی، الگوی مدیریت به‌وسیله اساس و بنیاد روستایی، الگوی مدیریت به‌وسیله مقامات حکومت مرکزی و توسعه طبیعی (بدون الگوی مدیریتی). هریک از سه الگوی مدیریتی نام برده ساختار سازمانی، دستگاه‌های اجرایی، سیستم حقوقی، میزان دخالت دولت و تأثیرات خاص خود را دارند. منظور از الگوی چهارم، یعنی «توسعه طبیعی»، توسعه بدون دخالت انسانی و مدیریت است که در برخی سواحل بالی هنوز هم دیده می‌شود. درحالی‌که نتایج کلی الگوی سه‌گانه مطلوب است، مناطق ساحلی بدون مدیریت برنامه‌ریزی شده گردشگری مشکلات و مسائل چندگانه‌ای دارند، اعم از نبود امنیت، در دسترس نبودن اطلاعات درباره امکانات مقصد، عدم استفاده بهینه از زمین، عدم کنترل صحیح منابع ساحلی مانند صخره‌های مرجانی و نبود کنترل بر تمیزی ساحل. وانگ تانگ و هاروی^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان مدیریت یکپارچه ساحل و گردشگری پایدار که به‌طور خاص درباره گردشگری غواصی در جزیره کوه تائوی تایلند است، از طریق پرسش‌نامه و مصاحبه عمیق با مردم محلی و همچنین مصاحبه با خبرگان صنعت گردشگری، دو هدف «ایجاد آگاهی از موضوعات کلیدی پایداری گردشگری غواصی از طریق مشارکت ابعاد انسانی و عوامل اجتماعی صنعت گردشگری در مدیریت تأثیرات فیزیکی - اکولوژیکی» و «پیشنهاد رویکردهایی برای مدیریت پایدار گردشگری غواصی در این جزیره» را دنبال کردند. نتایج پژوهش

1 Antara

2 Wongthong & Harvey

آنان نشان داد که غلبه گردشگری غواصی بر سایر کاربری‌های زمین و دریا در این جزیره و در پی آن رقابت کسب‌وکارها و اتخاذ روش‌های مدیریتی غیرمسئولانه، عدم یکپارچگی و مشارکت ذی‌نفعان، نبود حمایت دولتی و پیچیدگی عوامل اجتماعی، اجرای مدیریت یکپارچه ساحل^۱ و توسعه پایدار گردشگری^۲ را تقریباً غیرممکن ساخته است. محققان در این پژوهش پارادایم جدیدی را برای مدیریت گردشگری غواصی این جزیره الزامی می‌دانند که ماحصل ادغام مدیریت و چارچوب‌های دولتی ICM و SDT با راهبرد داوطلبانه مدیریتی و رویکرد جامعه‌محور است؛ چراکه به نظر آنان چارچوب‌های پذیرفته‌شده بین‌المللی دقیقاً قابل‌انتقال به یک منطقه خاص نیستند و هر منطقه باید راهبردهایی متناسب با شرایط زیستی - فیزیکی، اجتماعی - فرهنگی و مدیریتی خود اتخاذ کند.

بندر^۳ (۲۰۰۸)، در تحقیقی در ویرجینیای غربی آمریکا، با استفاده از روش پرسش‌نامه‌ای دلفی و ترکیب خطی-وزنی، معیارها و شاخص‌هایی برای ارزیابی مقاصد طبیعت‌گردی در منطقه مورد مطالعه در نظر گرفته شده است. نتایج تحقیق در نهایت منجر به ایجاد یک سیستم ارزیابی ۹ معیاره برای ارزیابی شرایط مقصد گردشگری و یک سیستم ۷ معیاره برای ارزیابی نحوه مدیریت مقصد گردشگری شده است. تسور^۴ و دیگران (۲۰۰۶)، در تایوان محققان با استفاده از تکنیک دلفی، معیارهای ارزشیابی را برای مدیریت سایت‌های گردشگری شناسایی کردند. افراد محلی، جهانگردان و مدیران بخش گردشگری مورد مصاحبه قرار گرفتند و در پایان سیستم معیارهای طبیعت‌گردی پایدار به‌منظور مدیریت سایت‌های گردشگری مورد مطالعه تعریف شد. وانگ و همکاران (۲۰۰۶)^۵، اشاره می‌کند که یک عنصر کلیدی مدیریت شهری ساختن یک شهر رقابتی، متساوی و پایدار از طریق تشریک‌مساعی و یکپارچگی بخش‌های عمومی و خصوصی برای هجوم بردن به مشکلات عمده‌ای که ساکنان شهرها با آن مواجه‌اند، می‌باشد. هنگامی که اهداف کلیه مدیریت شهری برای نائل شدن به توسعه پایدار شهری و مشخص کردن یک دسته وسیعی از بخش‌ها که شامل ابعاد محیطی، فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی، کالبدی و نهادی است، مدیریت شهری به‌عنوان یک مفهوم پیچیده ملاحظه می‌شود. پریکین^۶ (۲۰۰۱)، در منطقه ساحل مرکزی غرب استرالیا جهت برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری، محققان، با استفاده از روشی ساده و ابتکاری برای ارزیابی کیفیت و کمیت منابع طبیعی و اولویت‌بندی ۶۵ سایت جهانگردی، ابتدا به دسته‌بندی منابع طبیعی، ارزیابی عوامل چشم‌انداز، ارزیابی دسترسی و زیرساخت‌های جهانگردی منطقه پرداختند و سپس آن‌ها را با هم تلفیق کردند. نتایج ارزیابی منابع به‌صورت نقشه‌ای ارائه شد و این نقشه‌ها در فرایند برنامه‌ریزی برای منطقه ساحل مرکزی غرب استرالیا استفاده شده‌اند.

- 1 ICM
- 2 SDT
- 3 Bender
- 4 Tsaur
5. Wong
6. Priskin.

روش تحقیق

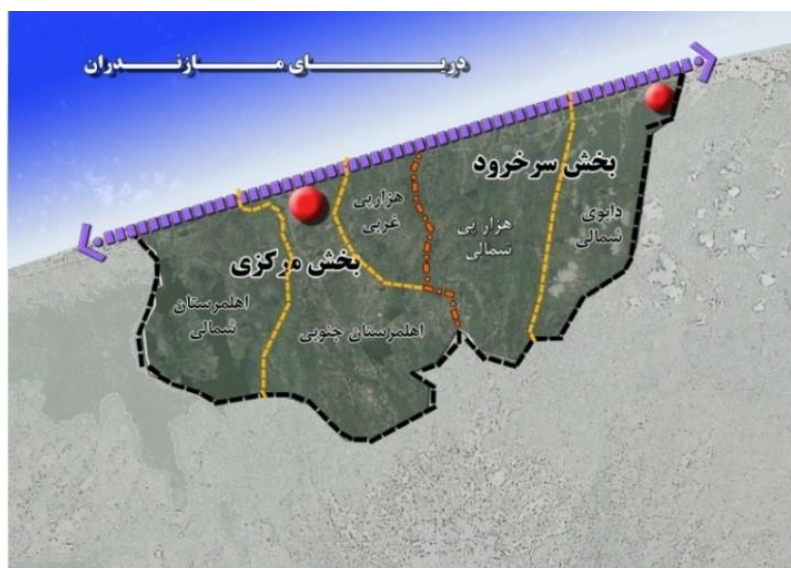
پژوهش حاضر، از نظر هدف توصیفی - تحلیلی بوه و در زمره پژوهش‌های کاربردی محسوب می‌شود؛ بنابراین با تحلیل ادبیات موجود از طریق مطالعات کتابخانه‌های، رویکرد مدیریت یکپارچه در زمینه گردشگری ساحلی تحلیل و بررسی شده است. نمونه آماری در این پژوهش متخصصان و کارشناسان مرتبط با مسائل شهری و گردشگری بوده به نوعی شناخت کامل از شهر سرخورد داشته‌اند. جهت تحلیل یافته‌های حاصل از توزیع پرسش‌نامه در میان متخصصان شهری، از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی و برای بررسی رابطه میان گردشگری و مؤلفه‌های اقتصادی و محیطی، پرسش‌نامه‌ای میان متخصصان و شهروندان سرخورد توزیع گردید و یافته‌های حاصل از آن با استفاده از آزمون تاو کندال b و همبستگی پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت. در نهایت راهکارهای عملیاتی در جهت تحقق هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه گردیده است.

متغیرهای تحقیق

معرفی محدوده مورد مطالعه

سرخورد یکی از شهرهای استان مازندران ایران است. این شهر مرکز بخش سرخورد شهرستان محمودآباد است. جمعیت بومی این شهر (بافت الف) حدود دوازده هزار نفر است. این شهر در ۶ کیلومتری غرب فریدون‌کنار و پانزده کیلومتری شرق محمودآباد در کنار دریای خزر و در انتهای مسیر رودخانه هراز به دریای خزر قرار دارد. کشاورزی (برنج)، ماهیگیری، شکار پرندگان وحشی و باغداری مهم‌ترین شغل‌های ساکنان این شهر می‌باشد. شکار پرندگان وحشی به روشی خاص و بسیار قدیمی در این شهر و دو روستا اطرافش انجام می‌شود که این روش شکار در حال حاضر فقط در این ناحیه از استان و حتی کشور انجام می‌شود. از حیوانات بومی سرخورد می‌توان به روباه، جوجه تیغی، گربه وحشی (مردم محلی به آن بامشی شال گویند) و قاقم (نوعی راسو که مردم محلی به آن عروسک می‌گویند) نام برد. همچنین این شهر در زمستان میزبان چند هزار قوی مهاجر می‌باشد. شهر سرخورد با فرمی خطی بر روی ساختار ملی نور- فریدون‌کنار واقع شده است. سرخورد در قسمت شرق به واسطه نهر کوچک شیرابه محدوده خدماتی شهر فریدون‌کنار و در قسمت غرب ۱۳ کیلومتر با شهر محمودآباد (مرکز شهرستان) فاصله دارد. این شهر در موقعیت جغرافیایی $52^{\circ}27'$ تا $52^{\circ}28'$ ، 39° تا $36^{\circ}40'$ از خط استوا و طول شرقی 39° ، 36° تا $36^{\circ}40'$ از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. بر اساس منابع و شواهد تاریخی (وجود تپه‌های باستانی به نام برزو تپه در جنوب این شهر)، می‌توان قدمت میان‌های از تاریخ تمدن ایران را برای این منطقه زیستی متصور شد؛ اما تحول این شهر در گذشته دور چندان مشخص نیست. این کانون تا سال ۱۳۸۰ در قالب چند آبادی - به گونه بطئی - به رشد خویش ادامه می‌دادند. از سال ۱۳۸۰ به بعد با شکل‌گیری شهر سرخورد، وزرا محله نیز به بافت الحاق شده و امروزه شهر سرخورد از ترکیب چهار محدوده کالبدی وزرا محله، سرخورد غربی، سرخورد شرقی و محدوده ساحلی تشکیل شده است. کالبد شهر در این دوره به‌طور عمده در دو بخش سکونتی و اقامتی قابل‌تعریف است که بخش اقامتی، فاقد تعامل لازم با بافت تاریخی و سکونتی شهر می‌باشد. شهر دارای سه بافت (قدیم، میانی و جدید) بوده که بافت قدیم و میانی در حوزه سکونتی و بافت جدید را عمدتاً در حوزه اقامتی می‌توان تبیین کرد. طرح هادی شهر سرخورد در سال ۱۳۸۲ توسط مهندسین مشاور مازند طرح تهیه گردید. مساحت محدوده شهر در این طرح ۴۷۰ هکتار و مساحت

حریم ۱۲۲۹ هکتار تعیین گردیده است. مطابق آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ (سال پایه طرح جامع)، شهر سرخورد دارای ۵۹۲۱ نفر جمعیت (شامل ۳۰۱۲ نفر مرد و ۲۹۰۹ نفر زن) بوده است. شکل (۲) موقعیت شهر سرخورد در شهرستان محمودآباد را نشان می‌دهد.



شکل (۲). نظام تقسیمات سیاسی در سطح شهرستان

داده و روش کار

از آنجاکه مطالعه و بررسی کل نواحی ساحلی امکان پذیر نمی‌باشد، باید نمونه‌هایی در سطح شهر سرخورد انتخاب شوند که مطالعه آن‌ها نمایانگر میانگینی از کل نواحی ساحلی در شهر باشد. انتخاب این‌که این نقاط راهنما یا پایلوت‌ها کدام نقاط باشند، نیاز به معیار خاصی دارد. از این معیارها به‌عنوان متغیرهای پژوهش استفاده می‌شود. این معیارها شامل عوامل مدیریتی، فرهنگی، اجتماعی، چشم‌انداز، تسهیلات و خدمات و ... می‌باشند. در جدول (۱) متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

جدول (۱). معیارها و شاخص‌های مورد پژوهش در زمینه مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی با رویکرد توسعه گردشگری

شاخص	معیار
توجه در طرح‌های بالادست به گردشگری	مدیریتی (Management)
ارائه طرح و برنامه مطلوب در امر ساماندهی با رویکرد گردشگری	
آداب و رسوم	فرهنگ (Culture)
حجاب و پوشش	
زبان	
مذهب	اجتماعی (Public)
نحوه برخورد نیروهای گردشگری: راهنمایان	
نحوه برخورد نیروهای گردشگری: کارکنان هتل	
نحوه برخورد مردم بومی محل	

مشارکت مردم در امر مدیریت	
وجود فرصت تبادلات فرهنگی	
بناهای تاریخی	چشم‌انداز (View)
مساجد	
موزه‌ها	
آثار هنری - تاریخی	
صنایع دستی	
فرصت‌های تفریحی	تسهیلات و خدمات (Facilities and Services)
مناسب و کافی بودن تسهیلات بهداشتی خدماتی	
نزدیکی به اسکان‌های گردشگری	
نزدیکی به مراکز تجاری	
دسترسی به حمل‌ونقل عمومی	
وجود خدمات زیربنایی	
وجود پارکینگ	
کیفیت پیاده‌رو و سواره‌رو	امنیت (Security)
امنیت مالی	
امنیت جانی	
پوشش بیمه‌ای	
کنترل و جلوگیری از مزاحمت	
ایمنی محدوده در برابر حوادث غیرمترقبه	رقابتی (Competitive)
هزینه	
تبلیغات و بازاریابی	
نزدیکی به جاذبه‌های هم‌جوار	جذابیت (Spell)
اهمیت جاذبه	
ماندگاری	
منحصربه‌فرد بودن جاذبه	

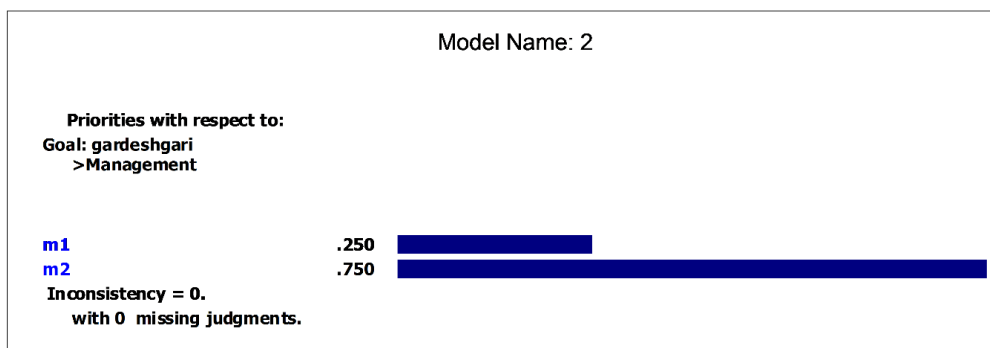
مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

نتایج

تعیین وزن زیرمعیارها برای هر معیار

معیار مدیریتی

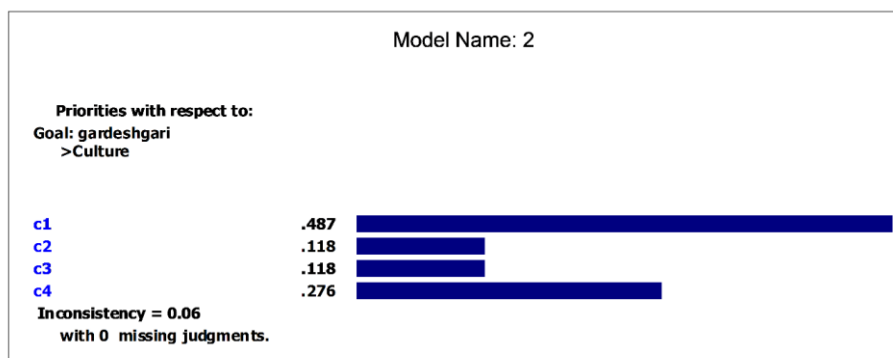
معیار مدیریت (Management) خود شامل دو زیر معیار: توجه در طرح‌های بالادست به گردشگری m1 و ارائه طرح و برنامه مطلوب در امر ساماندهی با رویکرد گردشگری m2 می‌باشد. با وزن‌دهی این زیرمعیارها در این معیار، ارائه طرح و برنامه مطلوب در امر ساماندهی با رویکرد گردشگری m2 با بیشترین وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۷۵۰) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیار در معیار مدیریت دارد شکل (۳).



شکل (۳). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیرمعیارهای معیار مدیریت

معیار فرهنگ

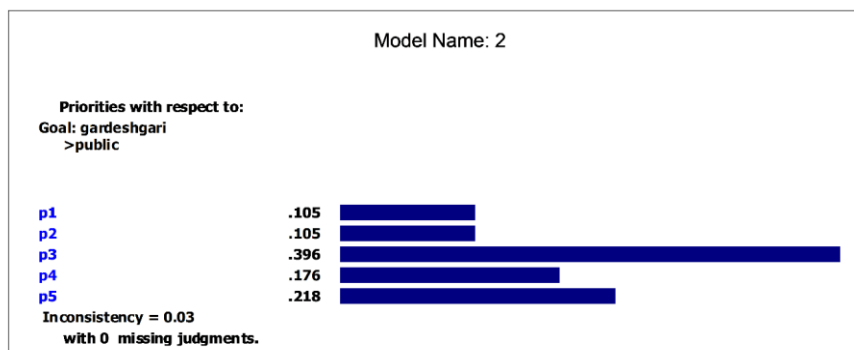
معیار فرهنگ Culture خود شامل چهار زیرمعیار: آداب رسوم c1، حجاب و پوشش c2، زبان c3 و مذهب c4 می‌باشد. با وزندهی این زیرمعیارها در این معیار، آداب و رسوم C1 با بیشترین وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۴۸۷) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیارها در معیار فرهنگ دارد. ضریب سازگاری در این ارزیابی ۰/۰۶ می‌باشد که نشان از درستی ارزیابی است شکل (۴).



شکل (۴). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیر معیارهای معیار فرهنگ

معیار اجتماعی

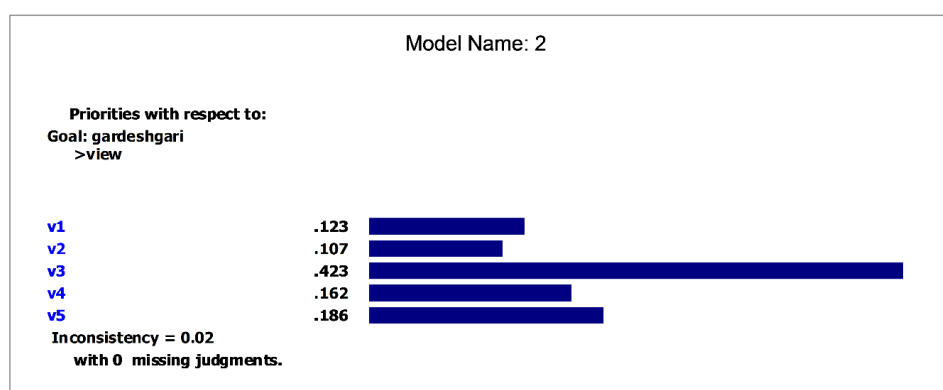
معیار اجتماعی (public) خود شامل پنج زیرمعیار: نحوه برخورد نیروهای گردشگری: راهنمایان p1، نحوه برخورد نیروهای گردشگری: کارکنان هتل p2، نحوه برخورد مردم بومی محل p3، مشارکت مردم در امر مدیری p4، وجود فرصت تبادلات فرهنگی p5 می‌باشد. با وزندهی این زیرمعیارها در این معیار، نحوه برخورد مردم بومی محل p3 با بیشترین وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۳۹۶) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیارها در معیار اجتماعی دارد شکل (۵).



شکل (۵). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیرمعیارهای معیار اجتماعی

معیار چشم‌انداز

معیار چشم‌انداز (view) خود شامل پنج زیرمعیار: بناهای تاریخی v1، مساجد v2، موزه‌ها v3، آثار هنری تاریخی v4، صنایع دستی v5 می‌باشد. با وزندهی این زیرمعیارها در این معیار، موزه‌ها v3 با بیشترین وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۴۲۳) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیارها در معیار چشم‌انداز دارد. ضریب سازگاری در این ارزیابی ۰/۰۲ می‌باشد که نشان از درستی ارزیابی است شکل (۶).

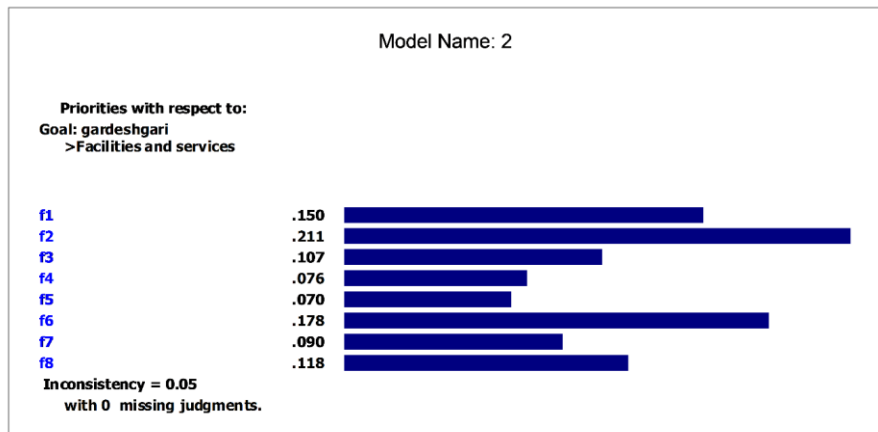


شکل (۶). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیر معیارهای معیار چشم‌انداز

معیار تسهیلات و خدمات

معیار تسهیلات و خدمات (Facilities and Services) خود شامل هشت زیر معیار: فرصت‌های تفریحی f1، مناسب و کافی بودن تسهیلات بهداشتی خدماتی f2، نزدیکی به اسکان‌های گردشگری f3، نزدیکی به مراکز تجاری f4، دسترسی به حمل‌ونقل عمومی f5، وجود خدمات زیربنایی f6، وجود پارکینگ f7 و کیفیت پیاده‌رو و سواره‌رو f8 می‌باشد. با وزندهی این زیرمعیارها در این معیار، مناسب و کافی بودن تسهیلات بهداشتی خدماتی f2 با بیشترین وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۲۱۱) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین

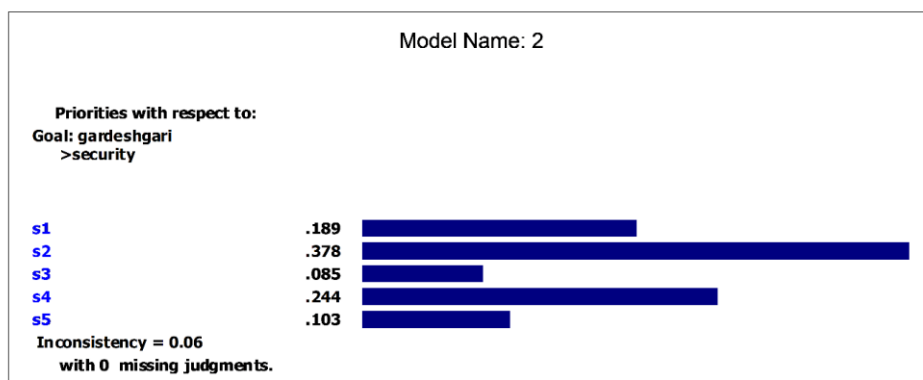
تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیارها در معیار تسهیلات و خدمات دارد. ضریب سازگاری در این ارزیابی ۰/۰۵ می‌باشد که نشان از درستی ارزیابی است شکل (۷).



شکل (۷). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیر معیارهای معیار تسهیلات و خدمات

معیار امنیت

معیار امنیت (security) خود شامل پنج زیرمعیار: امنیت مالی S1، امنیت جانی S2، پوشش بیمه‌ای S3، کنترل و جلوگیری از مزاحمت S4، ایمنی محدوده در برابر حوادث غیرمترقبه S5 می‌باشد. با وزن‌دهی این زیرمعیارها در این معیار، امنیت جانی S2، با بیشترین وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۳۷۸) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیارها در معیار امنیت دارد. ضریب سازگاری در این ارزیابی ۰/۰۶ می‌باشد که نشان از درستی ارزیابی است شکل (۸).

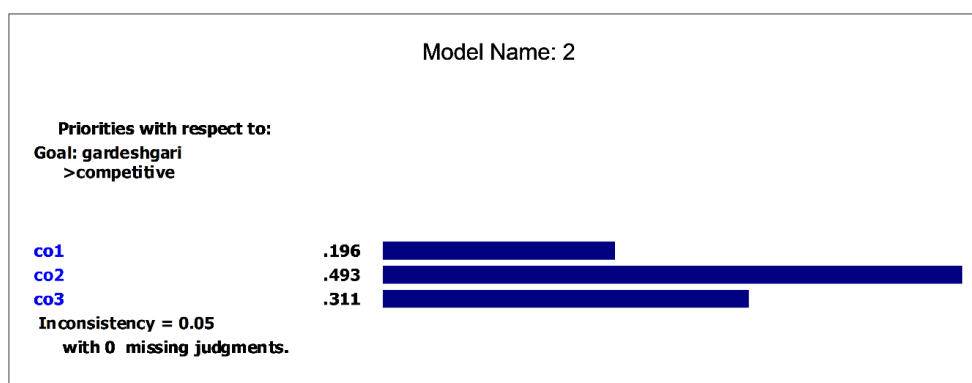


شکل (۸). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیر معیارهای معیار امنیت

معیار رقابتی

معیار رقابتی (competitive) خود شامل سه زیرمعیار: هزینه C1، تبلیغات و بازاریابی C2، نزدیکی به جاذبه‌های هم‌جوار C3 می‌باشد. با وزن‌دهی این زیرمعیارها در این معیار، تبلیغات و بازاریابی C2، با بیشترین

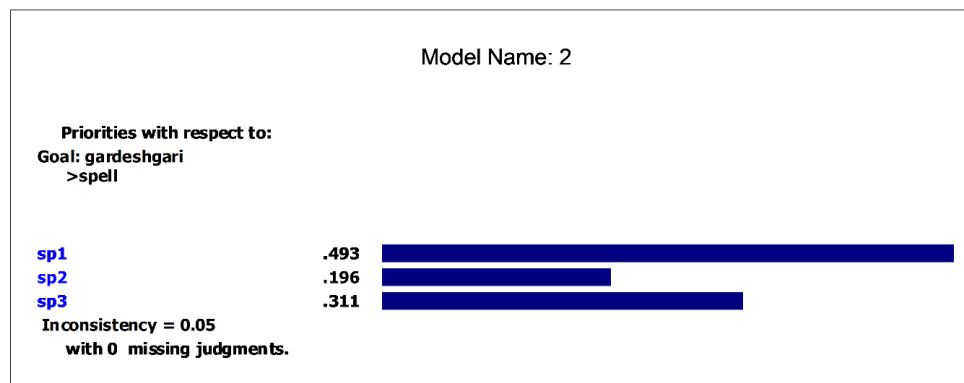
وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۴۹۳) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیارها در معیار رقابتی دارد. ضریب سازگاری در این ارزیابی ۰/۰۵ می‌باشد که نشان از درستی ارزیابی است شکل (۹).



شکل (۹). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیر معیارهای معیار رقابتی

معیار جذابیت

معیار جذابیت (spell) خود شامل سه زیرمعیار: اهمیت جاذبه SP1، ماندگاری SP2 و منحصره‌فرد بودن جاذبه SP3 می‌باشد. با وزندهی این زیرمعیارها در این معیار، اهمیت جاذبه SP1 با بیشترین وزن اختصاص گرفته به خود (۰/۴۹۳) در اهمیت اول قرار دارد و بیشترین تأثیر را نسبت به دیگر زیرمعیارها در معیار جذابیت دارد. ضریب سازگاری در این ارزیابی ۰/۰۵ می‌باشد که نشان از درستی ارزیابی است شکل (۱۰).



شکل (۱۰). نتیجه مقایسه دودویی کارشناسی زیر معیارهای معیار جذابیت

رابطه بین گردشگری شهری و مؤلفه‌های اقتصادی

برای بررسی آثار اقتصادی و محیطی-کالبدی گردشگری بر شهر مورد مطالعه، شاخص‌هایی تعیین و در قالب پرسش‌نامه توسط خانوارها و مسئولین مرتبط با امر گردشگری تکمیل شد. جداول تجزیه و تحلیل استخراج شده از پرسش‌نامه‌ها در چهار جدول اثرات اقتصادی گردشگری و اثرات کالبدی-زیست محیطی گردشگری از

دیدگاه مردم و مسئولین به همراه میزان معنی‌داری شاخص‌ها آمده است (جدول ۲ تا ۷). از آن جمله می‌توان به اثرات اقتصادی گردشگری اشاره داشت که گردشگری در هر منطقه، اثرات اقتصادی اعم از مثبت و منفی بر جای می‌گذارد. برای بررسی این تأثیرات در شهر سرخورد، شاخص‌هایی نظیر اشتغال‌زایی، افزایش درآمد و قیمت زمین و کالاها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بدین منظور جهت آزمون فرضیات ابتدا «فرضیه اول» یا H_0 که منظور از آن مقدار معینی برای پارامتر جامعه و سپس فرضیه H_1 به‌عنوان فرضیه مقابل آن، تدوین گردیده است. در این بخش با توجه به سؤال تحقیق که مبین این مطلب بوده که گسترش صنعت گردشگری در شهر سرخورد نقش مثبتی در رونق اقتصاد محلی و شهری داشته؛ به ارائه فرضیه H_0 در برابر فرضیه H_1 و آزمون آن پرداخته می‌شود: H_0 : به نظر می‌رسد بین گسترش صنعت گردشگری در شهر مورد مطالعه و رونق اقتصاد محلی و شهری رابطه معناداری وجود ندارد: H_1 . به نظر می‌رسد بین گسترش صنعت گردشگری در شهر مورد مطالعه و رونق اقتصاد محلی و شهری رابطه معناداری وجود دارد. جهت بررسی فرضیه ذکر شده همان‌طوری که در جدول (۲) نشان داده شده است از ۳ شاخص در قالب ۱۱ گویه استفاده شده که نتایج آزمون معناداری شاخص‌های مورد بررسی در سطح آلفا ۰/۰۵ نشان می‌دهد که از دیدگاه مردم تأثیر گردشگری بر ۶ گویه از ۱۱ گویه مورد بررسی مورد تأیید قرار گرفته است که عبارت‌اند از: افزایش اشتغال زنان، جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی، افزایش درآمد، افزایش قیمت اراضی، افزایش میزان اجاره‌بها و افزایش تورم و قیمت اجناس.

جدول (۲). رابطه بین گردشگری شهری و مؤلفه‌های اقتصادی از دیدگاه مردم

ردیف	شاخص	عنوان متغیر	پیرسون	تاو کندال b	نتیجه
۱	اشتغال	افزایش اشتغال در بخش خدمات	۰/۶۰۳	۰/۳۲۵	رد H_1
۲		افزایش اشتغال زنان	۰/۰۶۱	۰/۰۲۹	تأیید H_1
۳		افزایش اشتغال جوانان	۰/۵۶۸	۰/۹۹	رد H_1
۴		جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی	۰/۰۲۴	۰/۰۲۹	تأیید H_1
۵		افزایش فرصت‌های شغلی در بخش ساختمان‌سازی	۰/۶۵۱	۰/۵۰۱	رد H_1
۶	درآمد	افزایش درآمد	۰/۰۳۹	۰/۰۴۸	تأیید H_1
۷		کاهش فاصله طبقاتی	۰/۳۸۸	۰/۴۱۱	رد H_1
۸		افزایش قدرت خرید مردم	۰/۱۵۲	۰/۲۵۹	رد H_1
۹	قیمت اجناس و اراضی	افزایش قیمت اراضی	۰/۰۳۶	۰/۰۶۸	تأیید H_1
۱۰		افزایش میزان اجاره‌بها	۰/۰۴۳	۰/۰۹۴	تأیید H_1
۱۱		افزایش تورم و قیمت اجناس و کالاها	۰/۰۰۸	۰/۰۰۳	تأیید H_1

از نظر مسئولین نیز با توجه به جدول (۳)، تأثیر گردشگری بر ۸ شاخص از ۱۱ شاخص لحاظ شده مورد تأیید قرار گرفته که این شاخص‌ها عبارت‌اند از: افزایش اشتغال در بخش خدمات، افزایش اشتغال زنان، جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی، افزایش درآمد، کاهش فاصله طبقاتی، افزایش قیمت اراضی، افزایش میزان اجاره‌بها و افزایش تورم و قیمت اجناس و کالاها.

جدول (۳). رابطه بین گردشگری شهری و مؤلفه‌های اقتصادی از دیدگاه مسئولین

ردیف	شاخص	عنوان متغیر	پیرسون	تاو کندال b	نتیجه
۱	اشتغال	افزایش اشتغال در بخش خدمات	۰/۰۵۵	۰/۰۳۸	تأیید H_1
۲		افزایش اشتغال زنان	۰/۰۴۹	۰/۰۲۹	تأیید H_1
۳		افزایش اشتغال جوانان	۰/۵۱۲	۰/۴۵۹	رد H_1
۴		جذب نیروی مازاد بخش کشاورزی	۰/۰۱۶	۰/۰۳۳	تأیید H_1
۵		افزایش فرصت‌های شغلی در بخش ساختمان‌سازی	۰/۸۱۱	۰/۷۴۵	رد H_1
۶	درآمد	افزایش درآمد	۰/۰۳۱	۰/۰۳۱	تأیید H_1
۷		کاهش فاصله طبقاتی	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	تأیید H_1
۸		افزایش قدرت خرید مردم	۰/۱۱۷	۰/۱	رد H_1
۹	قیمت اجناس و اراضی	افزایش قیمت اراضی	۰/۰۰۴	۰/۰۲۱	تأیید H_1
۱۰		افزایش میزان اجاره‌بها	۰/۰۱	۰/۰۲۲	تأیید H_1
۱۱		افزایش تورم و قیمت اجناس و کالاها	۰/۰۰۱	۰/۰۱۲	تأیید H_1

در مجموع جهت بررسی و آزمون این ادعا که «بین گسترش گردشگری در شهر مورد مطالعه و بروز تغییرات اقتصادی شهر رابطه معناداری وجود دارد» ضمن تبیین فرضیه H_0 عدم وجود رابطه بین این دو متغیر (در مقابل فرضیه H_1) وجود رابطه بین این دو متغیر با توجه به مجموع شاخص‌های اقتصادی به آزمون فرضیه پرداخته شده که نتایج حاصله در جدول (۴) نشان داده شده است.

جدول (۴). میزان همبستگی بین گسترش گردشگری در شهر مورد مطالعه و بروز تغییرات اقتصادی شهر

آزمون آماری ضریب همبستگی	مردم	
	سطح معناداری	مسئولین
پیرسون	۰/۰۹۶	۰/۰۵۶
تاو کندال b	۰/۰۴۶	۰/۰۴۴

نتایج حاصل از آزمون نشان‌دهنده این مطلب است که از دیدگاه مردم و مسئولین، با ۹۵ درصد اطمینان، با توجه به میزان احتمال محاسبه شده که کوچک‌تر از ناحیه رد در سطح آلفا ۰/۰۵ است، می‌توان فرض H_0 را به نفع فرض H_1 رد نمود و پذیرفت که توسعه گردشگری سبب بروز تغییرات اقتصادی در شهر سرخورد شده است.

رابطه بین گردشگری شهری و مؤلفه‌های کالبدی - محیطی

برای بررسی این تأثیرات نیز شاخص‌هایی نظیر تغییرات کاربری اراضی، افزایش امکانات و خدمات زیربنایی و روینایی و حفاظت از محیط‌زیست و گونه‌های گیاهی و جانوری مدنظر قرار گرفته است. در این قسمت نیز با توجه به سؤال اصلی تحقیق که مبین این مطلب بوده که گسترش و رشد گردشگری باعث تغییر در کاربری اراضی شهری و افزایش امکانات و خدمات زیربنایی و روینایی و حفاظت از محیط‌زیست در آن می‌گردد؛ به ارائه فرضیه H_0 در برابر فرضیه H_1 و آزمون آن پرداخته می‌شود. H_0 به نظر می‌رسد بین گسترش صنعت گردشگری در شهر مورد مطالعه و بروز تغییرات محیطی، کاربری اراضی شهری و افزایش امکانات و خدمات

زیربنایی و روبنایی شهر رابطه معناداری وجود ندارد. H_1 به نظر می‌رسد بین گسترش صنعت گردشگری در شهر مورد مطالعه و بروز تغییرات محیطی، کاربری اراضی شهری و افزایش امکانات و خدمات زیربنایی و روبنایی شهر رابطه معناداری وجود دارد. به منظور آزمون فرضیه از ۳ شاخص استفاده شد که در غالب ۹ گویه در پرسش‌نامه مطرح و از دو دیدگاه مورد بررسی قرار گرفته است که نتایج آزمون معناداری شاخص‌های محیطی، کالبدی با توجه در جدول (۵) در سطح معناداری آلفا ۰/۰۵ نشان می‌دهد که از دیدگاه مردم تأثیر گردشگری بر ۴ شاخص از ۹ شاخص، مورد تأیید قرار گرفته که این شاخص‌ها شامل کاهش اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی و تغییر کاربری آن‌ها، گسترش خانه‌های ویلایی و نوع دوم، افزایش سهولت دسترسی به شهر، ایجاد اقامتگاه، هتل و مراکز مهمان‌پذیر، افزایش فضاهای تفریحی و ورزشی می‌باشند.

جدول (۵). تبیین رابطه بین گردشگری شهری و مؤلفه‌های کالبدی- محیطی از دیدگاه مردم

شاخص	عنوان متغیر	پیرسون	تاو کندال b	نتیجه
تغییر کاربری	کاهش اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی و تغییر کاربری آن‌ها	۰/۰۸۷	۰/۰۴۶	H_1 تأیید
	گسترش خانه‌های ویلایی و نوع دوم	۰/۰۴۷	۰/۰۳۶	H_1 تأیید
حفاظت از محیط‌زیست	افزایش فضای سبز تجهیز شده شهری	۰/۱۷۸	۰/۹۲۷	H_1 رد
	کاهش گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری	۰/۱۵۹	۰/۳۸	H_1 رد
	افزایش زباله‌ها و کثیفی معابر	۰/۴۹۷	۰/۴۸۴	H_1 رد
افزایش امکانات و خدمات	افزایش سهولت دسترسی به شهر	۰/۰۵۶	۰/۰۱۴	H_1 تأیید
	ایجاد فضای بهداشتی و درمانی	۰/۹۷۳	۰/۹۱۷	H_1 رد
	ایجاد اقامتگاه، هتل و مراکز مهمان‌پذیر	۰/۰۱۲	۰/۰۰۹	H_1 تأیید
	افزایش فضاهای تفریحی و ورزشی	۰/۱۴۶	۰/۱۱۱	H_1 رد

همچنین از دیدگاه مسئولان نیز همان‌طوری که جدول (۶) نشان می‌دهد، تأثیر گردشگری بر ۶ شاخص از ۹ شاخص مورد تأیید قرار گرفته که این شاخص‌ها عبارت‌اند از: کاهش اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی و تغییر کاربری آن‌ها، گسترش خانه‌های ویلایی و نوع دوم، افزایش فضای سبز تجهیز شده شهری، افزایش سهولت دسترسی به نقاط شهری و ایجاد اقامتگاه، هتل و مراکز مهمان‌پذیر، افزایش فضاهای تفریحی و ورزشی.

جدول ۶. تبیین رابطه بین گردشگری شهری و مؤلفه‌های کالبدی- محیطی از دیدگاه مسئولین

شاخص	عنوان متغیر	پیرسون	تاو کندال b	نتیجه
تغییر کاربری	کاهش اراضی زیر کشت محصولات کشاورزی و تغییر کاربری آن‌ها	۰/۰۲۸	۰/۰۰۸	H_1 تأیید
	گسترش خانه‌های ویلایی و نوع دوم	۰/۰۱۶	۰/۰۱۶	H_1 تأیید
حفاظت از محیط‌زیست	افزایش فضای سبز تجهیز شده شهری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	H_1 تأیید
	کاهش گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری	۰/۴۳	۰/۱۵۹	H_1 رد
	افزایش زباله‌ها و کثیفی معابر	۰/۹۶۷	۰/۹۶۵	H_1 رد
افزایش امکانات و خدمات	افزایش سهولت دسترسی به شهر	۰/۰۰۹	۰/۰۰۸	H_1 تأیید
	ایجاد فضای بهداشتی و درمانی	۰/۰۸۱	۰/۰۹۳	H_1 رد
	ایجاد اقامتگاه، هتل و مراکز مهمان‌پذیر	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	H_1 تأیید
	افزایش فضاهای تفریحی و ورزشی	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	H_1 تأیید

در نهایت جهت بررسی و آزمون این ادعا که «بین گسترش گردشگری در شهر مورد مطالعه و بروز تغییرات کاربری اراضی شهری و افزایش امکانات و خدمات زیربنایی و روبنایی در آن رابطه معناداری وجود دارد» ضمن تبیین فرضیه H_0 (عدم وجود رابطه بین این دو متغیر در مقابل فرضیه H_1) وجود رابطه بین این دو متغیر با توجه به مجموع شاخص‌های کالبدی- محیطی به آزمون فرضیه پرداخته شده است جدول (۷).

جدول (۷). نمایش میزان همبستگی بین گسترش گردشگری و بروز تغییرات محیطی- کالبدی در شهر

مستولین	مردم	آزمون آماری ضریب همبستگی
	سطح معناداری	
۰/۰۰۰	۰/۷۴۸	پیرسون
۰/۰۰۰	۰/۹۰۱	تاو کندال b

نتایج حاصل از آزمون با توجه به جدول (۷) مبین این مطلب است که از دیدگاه مردم، با ۹۵ درصد اطمینان، با توجه به میزان احتمال محاسبه شده که بزرگ‌تر از ناحیه رد در سطح آلفا ۰/۰۵ است، نمی‌توان فرض H_0 را به نفع فرض H_1 رد نمود و پذیرفت که توسعه گردشگری سبب بروز تغییرات کالبدی- محیطی در شهر سرخورد شده است. ولی از نظر مسئولان با توجه به میزان احتمال محاسبه شده که کوچک‌تر از ناحیه رد در سطح آلفا ۰/۰۵ است، می‌توان فرض H_0 را رد نمود که این بدان معناست که از این دیدگاه توسعه گردشگری منجر به بروز تغییرات کالبدی- محیطی در سطح شهر شده است.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه نیمی از مسئولین و کارشناسان دولتی، گسترش صنعت گردشگری از یک سو سبب رونق اقتصادی منطقه و از سوی دیگر سبب کاهش امنیت منطقه و آلودگی محیط- زیست است. بنابراین در شرایط کنونی انگیزشی برای گسترش صنعت توریسم برای مدیران دولتی وجود ندارد. لازم است کارگاه‌های آموزشی برای مجموعه ادارات دولتی درگیر در صنعت توریسم برگزار شود و این مفهوم نهادینه گردد که گردشگر دلیل و انگیزه‌ای برای کاهش امنیت منطقه نداشته و این تفکر در بدنه کارشناسی دولت اصلاح گردد که بتوان آن‌ها را همسو با برنامه‌های توسعه توریسم نمود. باین حال نگرانی آن‌ها برای آلودگی محیط‌زیست قابل توجه است و با استقرار امکانات جمع‌آوری پسماندها و تابلوها و تراکت‌های آموزشی و تبلیغاتی می‌توان این بخش از مجموعه ادارات دولتی درگیر در امور گردشگری را هم‌جهت با برنامه‌های توسعه گردشگری نمود.

۸۸/۵ درصد از کارشناسان و مسئولین امور گردشگری توسعه امکانات اقامتی، ساماندهی سواحل، توسعه مراکز تفریحی، توسعه اطلاع‌رسانی و افزایش امنیت منطقه را از ملزومات توسعه گردشگری دانسته‌اند. واگذاری طرح- های فوق به بخش خصوصی و حمایت از بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران و ایجاد نوعی بازار رقابتی برای عرضه خدمات به گردشگران می‌تواند از برنامه‌های مهم توسعه گردشگری محسوب شود. تأمین امنیت گردشگران و توسعه مراکز تفریحی از اولویت‌های اجرایی محسوب می‌شود. انتظار بخش دولتی از گردشگران رعایت قوانین است، که لازم است به صورت پوسترهای تبلیغاتی متن قوانین و رفتارهای مورد انتظار با جزئیات کامل به

گردشگران آموزش داده شود یا دوره‌های آموزشی پیش‌بینی کنند. میزان آشنایی مجموعه دولتی با محیط‌زیست و حفاظت آن متوسط است که منجر به عدم وجود برنامه‌های منسجم حفاظت محیط‌زیست و جلوگیری از آلودگی آن می‌شود. از نظر مجموعه ادارات دولتی مرتبط با محیط‌زیست مهم‌ترین نقطه‌ضعف موجود در توسعه برنامه‌های گردشگری نبود جاده و امکانات کافی است. این مجموعه همچنین سایر سازمان‌های دولتی و همچنین مردم را مسئول حفاظت محیط‌زیست می‌دانند. جاده‌سازی، تخریب جنگل‌ها، آلودگی محیط‌زیست نیز از عوامل اصلی تهدیدکننده تنوع زیستی به شمار می‌آیند. یکپارچه نمودن ذی‌نفعان در یک سیستم بوم‌شناختی اجتماعی که بتواند خطر جریان‌های دریایی، سونامی و طوفان را کاهش دهد و یا پس از وقوع خسارات وارده را جبران نماید. از ارکان برنامه‌ریزی گردشگری پایدار به شمار می‌رود. تعیین شاخص‌های گردشگری پایدار از اصول مهم برنامه‌ریزی است.

بنابراین در برنامه‌ریزی برای توسعه گردشگری پایدار در مناطق ساحلی باید یک طرح جامع مدیریتی اتخاذ نمود. لازم است این طرح جامع، تهدیدهای ممکن و فرصت‌های گسترش صنعت گردشگری را به‌دقت بررسی و توصیف کند. بر اساس اطلاعات موجود در زمینه‌های قانونی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی دیدگاهی برای گسترش صنعت گردشگری شکل دهد و این دیدگاه دربرگیرنده یک دوره زمانی مشخص باشد. از آنجاکه توانمندسازی ساکنین از طریق ایجاد فعالیت‌های مکمل نظیر خدماتی می‌تواند با افزایش درآمد خانوارها، ایجاد اشتغال و تشویق تولید محصولات کشاورزی و صنایع بومی و دستی، به‌عنوان راهکاری برای بهبود رشد اقتصادی و اجتماعی در سطح شهر باشد، می‌بایست در فرایند برنامه‌ریزی توسعه موردتوجه قرار گیرد. در این میان تأثیرات مثبت و منفی احتمالی گسترش گردشگری در نواحی میزبان، باید در انتخاب نوع رویکرد به توسعه گردشگری شهری تأثیرگذار باشد. با توجه به افول بخش کشاورزی در اقتصاد نواحی شمالی ایران که افزایش مهاجرت‌ها و کاهش کیفیت زندگی در شهرها و روستا را به همراه دارد، جهت بهره‌مندی این نواحی از منابع و پتانسیل‌های طبیعی می‌بایست در قالب چشم‌اندازی جامع و در رویکردی استراتژیک، به برنامه‌ریزی فرایند توسعه گردشگری شهری و روستایی در ایران پرداخته شود. در رویکردهای راهبردی به گردشگری، با شناسایی نقاط ضعف و قوت سرخورد می‌شود تا از دل تهدیدهای موجود، فرصت‌هایی برای بهبود ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع میزبان فراهم آید. بر این اساس ضروری می‌نماید که در قالب ارزیابی و مکان‌گزینی مناطق توریسم‌پذیر، با شناسایی تأثیرات مثبت و تبعات منفی در قالب تحلیل عوامل راهبردی، به بازبینی شرایط خاص شهرهای شمالی در ایران پرداخت تا بیشترین میزان کارآمدی در نتایج توسعه توریسم میسر گردد. علاوه بر این، با توجه به گسترش روزافزون وسایل نقلیه موتوری و صنایع آلاینده در شهرهای ما ضروری به نظر می‌رسد که در فرایند توسعه گردشگری، حفاظت و نگهداشت محیط‌زیست، استفاده بهینه و متعادل از منابع طبیعی و دارایی‌های طبیعی شهرها موردتوجه باشد تا در قالب توسعه پایدار شهری، ضمن پاسداشت حقوق آیندگان از مواهب طبیعی شهر و روستاهای پیرامون آن، امکان بهبود کیفیت زندگی و معیشت پایدار شهروندان نیز تحقق یابد. به همین دلیل هرگونه مداخله در ساختار شهرها برای هرگونه برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی که توریسم نیز یکی از اشکال آن می‌باشد، باید با افزایش آگاهی مردم محلی، مشارکت‌سازی و دخیل کردن شهروندان در فرایند گردشگری شهری به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی پروژه، موردتوجه باشد. در

ضمن، وجود حمایت سازمان‌های دولتی و تصویب بودجه‌های لازم برای توریسم امری اساسی است، چراکه علاوه بر گسترش صنعت توریسم شهری، بهبود زیرساخت‌ها و تعادل در ارائه خدمات و تسهیلات رفاهی را به همراه دارد. برای دستیابی به موفقیت در مدیریت و توسعه گردشگری و درگیر نمودن بخش خصوصی، برنامه‌ریزی در تمام سطوح الزامی است توسعه گردشگری بدون برنامه‌ریزی، موفقیتی را در بر نخواهد داشت و این باعث مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و محیطی برای جامعه میزبان می‌شود. پیشنهاد می‌گردد برای توسعه مدیریت گردشگری پایدار و برنامه‌ریزی در این زمینه، سازمان‌ها و جوامع محلی که از منافع گردشگری بهره‌مند می‌شوند باید مشارکت داشته و بخشی از درآمدهای حاصل از گردشگری خود را برای رفاه و ارائه خدمات به گردشگران اختصاص دهند تا نقش مؤثری را در توسعه پایدار ایفا نمایند. این امر نیازمند مشارکت تمامی سازمان‌ها، ادارات و نهادهای دولتی و یا غیردولتی و مدیران و برنامه‌ریزان گردشگری در این زمینه است؛ بنابراین، برای جلوگیری از خلأها و انجام فعالیت‌های موازی، ارائه خدمات به گردشگران توسعه پایدار گردشگری و ... نیازمند یکپارچگی مدیریت گردشگری و برنامه‌ریزی مداوم در قالب سازمان یافته، مشارکتی و مردمی است؛ بنابراین برای رسیدن به یکپارچگی مدیریت در توسعه گردشگری ساحلی، می‌توان راه‌کارهای زیر را ارائه داد:

۱. شناسایی و معرفی اماکن گردشگری از طریق رسانه‌های عمومی از جمله تلویزیون و روزنامه‌ها
۲. استفاده از مسئولان و کارشناسان خبره و مردم محلی آشنا با گردشگری ساحلی
۳. تقویت، ایجاد و توسعه زیرساخت‌های مناسب حمل‌ونقل در زمینه گردشگری ساحلی
۴. تقویت و ایجاد فضاهای اقامتی و گردشگری برای اسکان گردشگران
۵. مشارکت بخش خصوصی و عمومی که بسیار مهم و حیاتی است.
۶. ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی در سراسر کشور
۷. راه‌اندازی بانک اطلاعات گردشگری و بهره‌گیری از راهنماهای گردشگری ساحلی
۸. استفاده از مدیران تحصیل کرده و آگاه به مسائل گردشگری در رأی امور اجرایی و تصمیم‌گیری
۹. هماهنگی بین مدیران دیگر مؤسسات مرتبط با گردشگری ساحلی
۱۰. راه‌اندازی بانک اطلاعات گردشگری و بهره‌گیری از راهنماهای گردشگری ساحلی
۱۱. بازنگری در ضوابط، مقررات، مصوبات و قوانین مرتبط با برنامه‌ریزی به‌طور عام و مرتبط با مدیریت گردشگری ساحلی
۱۲. ارائه تسهیلات بانکی و حمایت‌های قانونی برای توسعه امکانات اقامتی و تفریحی در سرخورد که دارای مزیت گردشگری ساحلی است.
۱۳. راه‌اندازی تورهای فراگیر به‌ویژه برای بانزشتگان و قرارداد با نهادهای آموزشی در زمینه گردشگری ساحلی

ساحلی

منابع

- پوروخشوری، سیده زهرا (۱۳۸۰)، راهکارهای توسعه بهینه زیست‌محیطی در گردشگری ساحلی. تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- تقوایی، مسعود. صفرآبادی، اعظم (۱۳۹۰)، نقش مدیریت شهری در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری شهری (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۱(۴): ۳۵-۵۲.
- حسینی، سید علی. پورزال، مریم. ویسی، رضا (۱۳۹۲)، نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری شهرهای ساحلی در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸ (مطالعه موردی: شهر نوشهر)، پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، ۲(۸).
- خانی، فضیله. قاسمی، ابوطالب. جانی، وسمه. قنبری‌نسب، علی (۱۳۸۸). بررسی اثرات گردشگری ساحلی با تکیه بر نظرسنجی از خانوارهای روستایی (مطالعه موردی: روستای چمخاله، شهرستان - لنگرود)، فصلنامه علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، ۱(۴).
- دیوسالار، اسد... توکلی، میثم. خادمی، امیرحسین (۱۳۹۳)، نقش مدیریت شهری در توسعه پایدار گردشگری (نمونه مورد مطالعه: شهر ساحلی نور)، ششمین کنفرانس ملی برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی.
- صفری راد، علی. تحویل‌داری، میثم (۱۳۹۴)، تحلیلی بر نقش امنیت در فضاهای شهری با رویکرد توسعه گردشگری شهری و با تأکید بر مؤلفه‌های امنیت‌ساز فضاهای عمومی (مطالعه موردی: شهر تالش)، همایش ملی عمران و معماری با رویکردی بر توسعه پایدار.
- علی‌پور، عباس. بایندوز، نصر... بگلو، مژگان (۱۳۹۴)، مدیریت پایدار گردشگری (مطالعه موردی: شهر بجنورد)، نشریه راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۴(۱۴): ۱۱۵-۱۳۵.
- علیقلی‌زاده، ناصر (۱۳۸۶)، توسعه گردشگری روستایی با رویکرد پایداری، پایان‌نامه دکتری دانشکده جغرافیا دانشگاه تهران.
- قنواتی، عزت... منصور، رضا. حیدری، سید عبدالسلام (۱۳۹۲)، نقشه مورفولوژیکی خط هوشمند ساحلی و لزوم تهیه آن برای کرانه‌های شمالی و جنوبی ایران، فصلنامه علمی- پژوهشی اطلاعات جغرافیایی (سپهر)، ۲۲(۸۸): ۸۱-۹۱.
- مافی، عزت... سقایی، مهدی (۱۳۸۸)، کاربرد مدل MS-SWOT در تحلیل مدیریت گردشگری مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد، مجله جغرافیا و توسعه، ۱(۴).
- مجنونیان، هنریک. دانه‌کار، افشین (۱۳۸۳)، معیارهای پیشنهادی برای ارزیابی مناطق ساحلی - دریایی، نشریه محیط‌شناسی، ۳(۳۵).
- منتظری، مرجان. براتی، ناصر (۱۳۹۳)، برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری، رهیافتی کارآمد جهت تحقق گردشگری پایدار (مطالعه موردی: شهر یزد)، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، ۴(۴۷ و ۴۸): ۴۰-۵۷.

مولائی هشتجین، نصرا... خوشنود، نادعلی (۱۳۸۶)، اکوتوریسم و توسعه در کنار عملکرد مسلط جزایر خارک و خارکو، مجموعه مقالات همایش منطقه‌ای جغرافیا، گردشگری و توسعه پایدار، اسلامشهر: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

اله‌ویسی، مسلم. گلچینی، سحر (۱۳۹۲)، نقش مدیریت شهری در توسعه گردشگری شهری، مورد مطالعه: شهر سنندج، نخستین همایش ملی مدیریت یکپارچه شهری و نقش آن در توسعه پایدار.

Antara, M. (2016). **Comparison of four patterns management of coastal tourism destination in Bali- Indonesia**, E-Journal of Tourism Udayana University, 3, 1, pp. 1-16.

Bender, MY. (2008), **Development of criteria and indicators for evaluating forest-based ecotourism**.

Hall, C. M. (2001). **Trends in ocean and coastal tourism: the end of the last frontier?** *Ocean Coast Manage*, Trends Ocean Ind. 44, 601–618.

Honey, M., Krantz, D. (2007). **Global Trends in Coastal Tourism, Marine Program World Wildlife Fund**. Center on Ecotourism and Sustainable Development, Washington, DC. <http://www.iet.tourspain.es>, (2015). **Tourspain** website; <http://www.iet.tourspain.es> [WWW Document]. URL <http://www.iet.tourspain.es> (accessed 1.27.15).

Imran, S. (2013). **Toward an integrated systems approach to sustainable tourism management in protected area**. Doctoral thesis, University of Southern Queensland: Australia.

Imran, S., Alam, K. and Beaumont, N. (2011). **Reinterpreting the Definition of Sustainable Development for a More Ecocentric Reorientation**. *Sustainable Development*, 22, pp. 134- 144.

Jamal, T. and McDonald, D. (2011). **The short and long of collaborative planning in the mountain resort destination of Canmore, Canada**. *Current Issues in Tourism*, 14, 1, pp. 1-25.

Priskin, J. (2001), **Assessment of natural resources for nature-based tourism: the case of the central coast region of Western Australia**. (2005), *Landscape and Urban Planning*, 22(6), P.637-648.

Sánchez-Quiles, D. & Tovar-Sánchez, A. (2015). **Are sunscreens a new environmental risk associated with coastal tourism**, *Environment International*, 83, 158–170.

Tsaur, S.H., Y.C., Lin, and J.H., Lin. (2006). **Evaluating ecotourism sustainability from the integrated**.

Wongthong, P. and Harvey, N. (2014). **Integrated coastal management and sustainable tourism: A case study of the reef-based SCUBA dive industry from Thailand**, *Ocean & Coastal Management*, 95, pp. 138-146.